

بنی اسرائیل در قرآن

مراجعه به تاریخ قوم بنی اسرائیل نشان می دهد که آنان پس از رهایی از دست فرعون مأموریت داشتند حکومتی تشکیل دهند تا پایه گذار حکومت جهانی شوند. «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي انعمت علیکم و انی فضلکم علی العالمین». اما پیش از تشکیل حکومت باید آموزش می دیدند. بنابراین موسی(ع) بنی اسرائیل را در پای کوه طور مستقر کرد و اردوگاهی آموزشی ایجاد کرد. این اردوگاه آموزشی پانزده سال بر پا بوده و آنان در این مدت آموزش می دیدند.

این نکته از بسیاری عبارات سفر خروج عهد عتیق دانسته می شود. دانش هایی که آنان در صحرائ سینا از موسی (ع) آموخته بودند، با تجربه علمی همراه شد و مجموعه توانمندی در آنان به وجود آورد. اگر این توانایی ها در راستای اهداف پیامبران (ع) باقی می ماند، می توانستند این وعده خداوند را تحقق بخشند که فرمود: وَتَرِيْدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص، آیه 5)

چرا که آنان، هم توان علمی داشتند و هم توان تجربی. تنها نیاز آنان، انطباق معنویت با قدرت بود. قدرت اما گاه به سوی تامین خواهش های نفسانی می رود و این، با هدف الهی قابل جمع نیست. عالمان منحرف آنان گرفتار حسد و آزمندی فراوان به زندگی دنیا شده بودند: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَيَّ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ آیا حسد می کنند بر مردمان بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود (نساء، آیه 54).

اگر انسان در پی نیازهای دنیایی رود و از خدا فاصله بگیرد، صفت حرص، سیری ناپذیری، حسد، ترس و مانند آن او را فرا می گیرد. بنی اسرائیل تا هنگامی که در مسیر حق و خدا هستند، به آسانی به حاکمیت سراسری دست می یابند؛ توان اجرا و گسترش آن را نیز دارند. اما انحراف در بین آنها ایجاد شد.

مدتی که از حکومت یوشع نبی (ع) گذشت و حاکمیت به مذاق بنی اسرائیل مزه داد، انحرافات آغاز شد. آنان، همواره خود را «قوم برگزیده» می خواندند. قرآن نیز به برتری دادن آنان اشاره کرده است: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلَيْكُمْ عِلِّيُّونَ الْعَالَمِينَ؛ ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم، به یاد بیاورید. (بقره، آیه 47)

خداوند آنان را بر جهانیان برتری داده بود و عنایت خویش را همواره بر آنان نازل می کرد، اما آنان دچار خطای بزرگی شده بودند و گمان می کردند خداوند «نژاد» آنان را ارج می نهد؛ در حالی که خدای منان، بنی اسرائیلی را ارج می نهد که به آیه های حضرت موسی(ع) ایمان آورند و پیامبران بس، از امر او تصدیق کنند. خداوند آنان را بر جهانیان برتری داده بود و عنایت خویش را همواره بر آنان نازل می کرد، اما آنان دچار خطای بزرگی شده بودند و گمان می کردند خداوند «نژاد» آنان را ارج می نهد؛ در حالی که خدای منان، بنی اسرائیلی را ارج می نهد که به آموزه های حضرت موسی(ع) ایمان آورند و پیامبران بس از او را تصدیق کنند. با بروز تفکر نژاد پرستی، بنی اسرائیل به فکر حفظ حکومت به هر قیمتی می افتند: عده ای را باید با بت و مشغولیت های کاذب، عده ای دیگر را با شراب و شهوت پرستی و پول پرستی ساکت کردند و از مسیر هدایت الهی و دعوت مردم به سوی خدا فاصله گرفتند. از سویی آنان برای توجیه اندیشه خود گفتند خدا که وعده حاکمیت جهانی را به ما داده است دیگر نمی تواند آن را از ما پس بگیرد و به قوم دیگری بدهد. قالت اليهود يد الله مغلولة غلت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يدها ميسوطان بنفق كيف يشاء (مائده، آیه 64)

خداوند برای اصلاح این گروه پی در پی پیامبر می فرستاد؛ آنان نیز پیامبران خدا را می کشتند. لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْتَسَلْنَا لِهِمْ رُسُلًا كَلِمًا بآءَهُمْ رَسُولًا يَمَّا لَا تَهْوِي أُنْفُسُهُمْ قَرِيبًا كَذَّبُوا وَقَرِيبًا يَقْتُلُونَ؛ ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی بر ایشان فرستادیم. هرگاه که پیامبری چیزی می گفت که با خواهش دلشان موافق نبود، گروهی را تکذیب و گروهی را می کشتند. (مائده، آیه 70).

قرآن برخی از ویژگی ها و باورهای دینی منحط یهود را بر شمرده است: رباخواری(نساء، آیه 161)؛ تحریف کتاب آسمانی(بقره، آیه 79)؛ انکار وحی(انعام، آیه 91)؛ باور به فقد بودن خداوند و بی نبیای خود(الزمر، آیه 181)؛ اعتقاد به بسته بودن دست خداوند(مائده، آیه 64)؛ بمان شکیبایی(بقره، آیه 100). خداوند به سلیمان گفت: اگر شما و پسرانتان از متابعت من روگردانید... اسرائیل در میان جمیع قومها ضرب المثل و مضحکه خواهد شد. اما با اندکی تامل در آموزه های آسمانی خود در می یافتند که خدای منان با کسی عقد اخوت بسته و در اثر سرکشی، این مأموریت را از آنان ستانده و به دیگری داده است. در فرازهایی از تورات به خوبی آشکار است که خدای متعال، بنی اسرائیل را تنها در صورت حفظ ایمان برتری خواهد داد؛ مانند عهد عتیق، تنبیه، باب های 26 - 30؛ یا: «خداوند به سلیمان گفت: اگر شما و پسرانتان از متابعت من روگردانیده، اوامر و فریضی را که به پدران شما دادم، نگاه ندارید... آن گاه اسرائیل را از روی زمینی که به ایشان دادم، منقطع خواهیم ساخت و این خانه را از حضور خویش دور خواهیم انداخت و اسرائیل در میان جمیع قومها ضرب المثل و مضحکه خواهد شد». (عهد عتیق، پادشاهان، باب 9). بر کلامی که بر شما امر می فرمایم، چیزی میفزاید و چیزی از آن کم مکنید. (عهد عتیق، تنبیه، باب 4)

در قرآن نیز این هشدار و مساله رویگردان شدن آنان و پس گرفتن آن ارزشها از منحرفان بنی اسرائیل آمده است. یا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَتَا تَرْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارَكُمْ فَنُقَلِّبُوهَا خَاسِرِينَ؛ ای قوم من، به زمین مقدسی که خدا برایتان مقرر کرده است، داخل شوید و باز پس نگردید که زیان دیده باز می گردید. (مائده، آیه 21).

یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یرحمهم ویحبونه. (مائده، آیه 54). قل یا اهل کتاب لستم علی شیئی حتی تقیموا التورته و الانجیل و ما انزل الیکم من ربکم؛ بگو ای اهل کتاب شما هیچ ارزشی ندارید مگر آنکه تورات و انجیل را موهبوا اجرا کنید و قرآن را هم که از سوی خدای شما نازل شده اطاعت نمایید. (مائده، آیه 68).

منبع: موسسه فرهنگی آرماگون

تبیان